



پنجشنبه 9 آبان 1392-25 ذی الحجه 1434 - 31 اکتبر 2013

به دنبال حمله نیروی هوایی ارتش بعث عراق به کشتی‌های تجاری در خلیج فارس ...

9 آبان - 25 ذی الحجه - 31 اکتبر

* 9 آبان در دفاع مقدس

* صدور قطعنامه 540 شورای امنیت در پی حملات عراق به کشتی‌های تجاری در خلیج فارس (1362 ش) اشاره:

به دنبال حمله نیروی هوایی ارتش بعث عراق به کشتی‌های تجاری در خلیج فارس از سال 1360، و نیز مختل کردن امنیت این منطقه در ادامه آن، قطعنامه شماره 540 شورای امنیت سازمان ملل در آخر اکتبر 1983 م برابر با نهم آبان 1362 ش صادر شد و حق کشتی رانی و بازرگانی آزاد در آب‌های بین المللی رامورد تاکید قرار داد و از همه کشورها خواست که آن را رعایت کنند. در این قطعنامه از دو طرف متخاصم خواسته شد که درگیری‌های خود را در خلیج فارس پایان داده و به تمامیت ارضی کشورهای ساحلی احترام بگذارند. در این قطعنامه همچنین از دو طرف خواسته بود که از هر اقدامی که صلح و امنیت بین‌المللی و همچنین حیات دریایی در منطقه خلیج فارس را در معرض مخاطره قرار می‌دهد خودداری ورزند. این قطعنامه در حالی صادر شد که عراق حملات خود را به پایانه و کشتی‌های نفتی ایران شدت بخشیده و بی‌توجه به منع سازمان ملل، به ناامنی منطقه می‌افزود. در قطعنامه 540 عناصر مثبتی وجود دارد از جمله: لزوم بررسی واقع بینانه جنگ، عدم اشاره به قطعنامه‌های قبلی شورا، عدم اشاره به آتش‌بس یا خروج نیروها، اشاره به گزارش هیئت بازرسی، حمله به مناطق مسکونی و تلاش دبیرکل برای رسیدن به راه حلی کامل، عادلانه و شرافتمندانه و قابل قبول برای هر دو طرف. این، اولین قطعنامه‌ای بود که به اتفاق آرا به تصویب رسید و دارای سه رای ممتنع بود. هرچند این گمان می‌رود که صدور این قطعنامه، ناشی از گزارش هیئت اعزامی دبیرکل به منطقه باشد، ولی در واقع بیشتر از هر چیز، متأثر از عملیات والفجر 4 بود که اواخر مهرماه آن سال به اجرا درآمد و طی آن هفتصد کیلومتر مربع از منطقه عملیاتی به دست نیروهای اسلام افتاد.

* شهادت شهید حسن طالبی فر (1359 ش)

اشاره:

شهید حسن طالبی‌فر، این طالب و عاشق و شهادت، دوازدهم اردیبهشت سال ۱۳۳۹ ش چشم به جهان گشود. او هم‌زمان با طلوع خورشید متولد شد، حسن در آغوش خانواده‌ای مذهبی و معتقد و پای‌بند به اصول اسلام و معتقدات مذهبی رشد کرد و سرانجام به ثمر نشست. این شهید به مطالعه و تحقیق و بررسی اعتقادات خود همت گماشت. میل به عبادت و مسجد رفتن را زیاد داشت روحیه اخلاقی و تقوا در او آرام‌آرام می‌بالید. از سنین کودکی به نماز و روزه گرفتن علاقه شدید داشت. همین روح ایمان و کنجکاوای باعث شد که به مطالعه بپردازد. به خواندن قرآن و نهج‌البلاغه علاقه‌ای شدید داشت و مطالعه کتاب‌های مختلف مذهبی و سیاسی جزئی از برنامه‌اش بود. حسن به سحرخیزی عادت داشت و در کارهای خانه و پذیرش مسئولیت در محیط خانواده شرکت می‌کرد. حسن از نظر رفتار و اخلاق یک ایثارگر واقعی بود تا آنجائی که رفع نیاز از عهده او برمی‌آمد با کمال رضایت و بدون چشم‌داشت کمک می‌کرد. وی مبارزی سرسخت با زورگویان و ناحق‌گویان بود. شهید بزرگوار در سن ۱۴ سالگی از مهر پدری محروم گردید بعد از فوت پدر عزیزش، علاقه و جدیت بیش‌تری برای کار کردن در فصل تابستان از خود نشان داد تا بتواند مخارج تحصیل خود را مهیا کند و کمکی نیز به خانواده‌اش کرده باشد. تابستان به‌همراه مهندسین مشغول جاده‌سازی در روستاها و شهرهای خوزستان شد. در زمان خفقان و اختناق و هنگامی‌که سیاهی ظلم و جور به سرزمین اسلامی‌مان سایه گسترده بود، حسن از جمله کسانی بود که در تظاهرات علیه رژیم منفور همراه برادرش کوکتول ملتف می‌ساخت و هنگامی‌که امام (ره) در تبعید بود و اعلامیه می‌فرستاد آن‌ها را جمع‌آوری می‌کرد و به روستاها می‌برد و مطالب را برای آن‌ها بازگو می‌کرد و نسبت به رژیم سیاه منفور پهلوی افشاگری می‌نمود. حسن در سال ۱۳۵۷ ش موفق به گرفتن دیپلم در رشته راه و ساختمان شد. شهید در اواخر فروردین ۱۳۵۹ ش به خدمت مقدس سربازی شتافت. دوره آموزشی را در کرمان طی نمود سپس به شیراز منتقل و بعداً به پادگان زمینی دزفول منتقل گردید. در شهریور ۱۳۵۹ ش جنگ تحمیلی عراق علیه ایران شروع شد، وی تصمیم گرفت از پادگان به جبهه برود و با دوستان خود عهد بست که از فرمانده بخواهد آن‌ها را به جبهه بفرستد. فرمانده به آن‌ها می‌گوید فعلاً نوبت تیپ دزفول نشده است. حسین و چند تن از دوستانش مرتب پافشاری می‌کردند که به جبهه بروند و خوشبختانه در این میان از لشکر ۲۱ حمزه پیام می‌رسد که حدود ۳۰ نفر سرباز احتیاج داریم، آن‌ها نیز بی‌نهایت خوشحال می‌شوند و فرمانده قرار می‌گذارد که بین آن‌ها قرعه‌کشی شود ولی حسن به همراه چند تن از دوستانش می‌گویند قرعه چه به اسم ما باشد یا نباشد محبت فرمائید به جبهه اعزامان کنید و آخر هم به آرزوی خود رسید و در همان روز، او برای خداحافظی با یک لندیور ارتشی به دیدار مادر و خواهر و برادران و آشنایان رفت. حسن درحالی‌که اسلحه ژ-۳ در دست داشت و کوله‌پشتی و لباس رزم بر تن و ماشین از گل پوشیده شده بود، به منزل آمد. چون مادرش می‌پرسد فرزندم چرا این

ماشین از گل پوشیده شده در جواب می‌گوید مادر جان! ما سرباز خمینی (ره) هستیم و به گفته او جهت دفاع از دین و میهن عازم جبهه‌ایم و بوسه بر دست و روی مادر می‌زنم، گویا می‌داند که آخرین وداع است... حسن همراه سایر هم‌زمانش که حدود ۲۰ الی ۳۰ نفر بودند مدت ۱۵ روز یا ۲۰ روز در میدان حق علیه باطل مردانه به مبارزه پرداختند و در این مدت چند بار به او پیشنهاد مرخصی می‌شود ولی حسن قبول نمی‌کند و می‌گوید شرمند هستم به دزفول بروم درحالی‌که دشمن شهر ما را به موشک و توپ بسته و تا زمانی‌که زنده‌ام دفاع می‌کنم و اگر موفق بودیم و دشمن را بیرون کردیم به منزل خواهیم رفت... حسن چند ساعت قبل از آن‌که به شهادت برسد به دوستان خود پیشنهاد می‌کند که در آب کرخه غسل کنند... او بعد از غسل شهادت، به راه می‌افتد... روز نهم آبان ۱۳۵۹ ش متوجه می‌شوند که دشمن مزدور می‌خواهد که به سپاه اسلام حمله کند... در این حمله، گلوله‌ای به کتف حسن اصابت می‌کند و در همین حال فشنگ‌های او هم تمام شده ولی اسلحه دوست شهیدش را برمی‌دارد و حدود ۱۵ یا ۲۰ تن از دشمنان بعثی را به هلاکت می‌رساند که در همین حین، به علت اصابت گلوله‌هایی دیگر به قلبش، در تاریخ نهم آبان‌ماه سال ۱۳۵۹ هجری شمسی به درجه رفیع شهادت نائل می‌آید و به لقاءالله می‌پیوندد.

* شهادت شهید احمد رضا ربانی (1359ش)

اشاره:

شهید احمد رضا ربانی در سال ۱۳۴۳ش در خانواده‌ای روحانی دیده به جهان هستی گشود. تحصیلات ابتدایی را در یکی از مدارس مذهبی اصفهان گذراند و به دنبال اوج‌گیری مبارزات انقلابی، احمد رضا با این‌که نوجوانی بیش نبود، با الهام از تعالیم اسلامی که از خانواده‌اش آموخته بود، شروع به فعالیت کرد. بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به عضویت کمیته مرکزی اصفهان درآمد و پس از چند ماه به تهران رفت و لباس سبز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را بر تن نمود. در آنجا دوره‌های مختلف آموزش نظامی را در چند پادگان گذراند و پس از چند ماهی در پی فرمان امام (ره) برای سرکوبی ضد انقلابیون، به استان کردستان اعزام شد. او در شهرهای مختلف کردستان، همراه با دیگر برادران رزمنده به سرکوبی مهاجمین پرداخت و پس از چند ماه کوشش بی‌دریغ در منطقه کردستان به اصفهان بازگشت و در مدتی کوتاه به آموزش کاراته پرداخت. ربانی در اوایل تابستان سال ۱۳۵۹ش برای بار دوم عازم کردستان شد و در شهر دیوان‌دره که همواره مورد هجوم مهاجمین و گروهک‌های آمریکایی بود، به پاک‌سازی ضد انقلابیون پرداخت و یک‌بار نیز در راه سنندج - دیوان‌دره در تیررس دشمن قرار گرفت و از ناحیه سر به شدت مجروح و در بیمارستان بستری شد. احمد رضا در مهرماه سال ۱۳۵۹ش به شهر خود اصفهان بازگشت و بنا به فرمان امام خمینی (ره) مبنی بر آموزش‌های نظامی، مسئولیت بسیج چند مسجد از جمله مسجد جامع این شهر را بر عهده گرفت و شروع به آموزش نظامی کرد. با آغاز جنگ تحمیلی، او نیز عازم جبهه شد و در شهر آبادان به همراه برادران سپاه پاسداران زاهدان به ستیز با دشمن پرداخت. احمد رضا پس از ۲ سال مبارزه، در پی به هلاکت رساندن گروهی از بعثیان در تاریخ نهم آبان‌ماه سال ۱۳۵۹ هجری شمسی در سن شانزده سالگی در ذوالفقاریه آبادان شربت شیرین شهادت را نوشید.

* عملیات ذوالفقاریه در منطقه آبادان و عقب راندن دشمن از جزیره آبادان (1359 ش)

* 9 آبان در گذر تاریخ

* واگذاری امتیاز کشتیرانی در کارون به انگلیسی‌ها در زمان ناصرالدین شاه قاجار (1267ش)

اشاره:

یکی از امتیازاتی که در زمان ناصرالدین شاه قاجار به انگلیسی‌ها واگذار شد، آزادی کشتیرانی در رودخانه کارون در استان خوزستان بود. چرا که سیاستمداران این کشور از سال‌ها قبل به اهمیت رود کارون از جهات تجاری و اقتصادی و سیاسی پی برده بودند و امتیازی در این مورد می‌خواستند. این مجوز که انگلیسی‌ها، نیم قرن برای به دست آوردن آن تلاش کردند، علاوه بر توسعه نفوذ سیاسی و نظارت بر نواحی جنوبی ایران، از نظر منافع تجاری، استفاده از این راه طبیعی برای حمل و نقل اجناس انگلیسی و هندی به شهرهای مرکزی از راه عادی بوشهر - شیراز - اصفهان بود. علت مخالفت ابتدایی دولت ایران با اعطای این امتیاز، هراس از روس‌ها بود، لیکن پس از اعطای امتیاز شیلات شمال به روس، امتیاز کشتیرانی در رودخانه کارون به انگلیس واگذار شد.

* تصویب قانون سربازگیری در مجلس شورای ملی در جریان جنگ جهانی اول (1294 ش)

اشاره:

به دنبال تاخت و تاز نیروهای بیگانه در کشور در جریان جنگ جهانی اول و به خطر افتادن استقلال ایران، و همچنین ضعف قوای غیر منظم و محدود ژاندارمری موجب شده بود که در مقابل یکه تازی بیگانگان، هیچ اقدامی از سوی دولت انجام نگیرد و فقط در برخی مناطق، افراد محلی از سر غیرت ملی در مقابل بیگانه مقاومتی کنند، که آن هم به سبب نابرابری تعلیمات و تجهیزات چاره ساز نبود. از این رو، مجلس، بهترین راه را جمع‌آوری سرباز از ولایات و روستاها پیش بینی کرد و قانون سربازگیری را به تصویب رساند. به موجب این قانون، هر روستا، برای تدارک عده‌ای سرباز برای حکومت، تعهد می‌نمود و در مقابل، دولت، خرج سرباز و کمک مالی به خانواده او را عهده دار می‌شد.

* تصویب انقراض حکومت قاجاریه توسط مجلس و آغاز دیکتاتوری «رضا خان پهلوی» (1304 ش) اشاره:

تغییر حکومت قاجار و جایگزینی پهلوی، از سال‌های قبل مد نظر رضاخان میرپنج بود تا اینکه مسافرت طولانی احمدشاه به اروپا، بهترین فرصت را برای او مهیا نمود. در این هنگام با حمایت هواداران رضاخان در مجلس، احمدشاه از فرماندهی کل قوا عزل گردید و این مقام به رضاخان سردار سپه واگذار شد. پس از مدتی با فشار نظامیان بر مجلس شورای ملی، در جلسه نهم آبان 1304، ماده واحده مبنی بر خلع قدرت و انقراض سلسله قاجار به تصویب رسید. در پی این جلسه، خاندان کهنسال قاجاریه پس از یکصد و پنجاه سال سلطنت، با یک قیام و قعود ساده، به سرعت منقرض گردید و حکومت ننگین 53 ساله پهلوی آغاز شد. تصمیم مجلس در نهم آبان، بازتاب گسترده‌ای در مطبوعات جهان به دنبال داشت و تمام خبرگزاری‌ها، تغییرات ایران را با آب و تاب تمام در صفحات اول روزنامه‌های خود انتشار می‌دادند. در همان هنگام که دولت فروغی در تهران سرگرم برگزاری جشن تاجگذاری بود، احمد شاه قاجار در پاریس طی یک مصاحبه مطبوعاتی و صدور اعلامیه، عزل خود را از سلطنت، غیرقانونی خواند و آن را به زور اسلحه و قشون دانست. رضاخان سرانجام در 22 آذرماه 1304 به سلطنت دائمی دست یافت و در چهارم اردیبهشت سال بعد تاجگذاری رضاخان نمود. پس از آن، محمدحسن میرزا ولیعهد با خواری راهی مرز گردید و رضاخان پهلوی که از آن پس والاحضرت اقدس خوانده می‌شد به ریاست حکومت موقت معین گردید. تصویب انقراض حکومت قاجار توسط مجلس شورای ملی ایران، با توطئه‌های پنهان و آشکار رضاخان پهلوی و وابستگان انگلیسی صورت گرفت. حدود یک ماه و نیم پس از آن، رضاخان، خود را شاه ایران خواند و سلسله پهلوی را تأسیس کرد.

* کارخانه ریسندگی و بافندگی سمنان طعمه حریق شد. (1349ش)

* مبادلات بازرگانی ایران و چین آزاد شد (1350ش)

* محمد انورسادات رئیس جمهوری مصر در جریان سفر خود به کشورهای خارجی برای یک دیدار کوتاه مدت از ایران وارد تهران شد (1356ش)

* اتاق اصناف تهران در مجلس شورای ملی مورد حمله قرار گرفت (1353ش)

* بین ایران و رومانی موافقتنامه ی علمی و فرهنگی امضاء و مبادله شد (1350ش)

* 25 ذی الحجه در گذر تاریخ

* درگذشت «ابن سراج» ادیب و شاعر بغدادی (316ق)

اشاره:

ابوبکر محمد ابن سراج در کودکی به مجلس درس ابوالعباس مبرّد، نحوی معروف آن عصر راه یافت و با هوش‌ترین شاگرد او گردید. پس از مرگ استاد به بررسی آراء و ارزیابی نظرها و گفته‌های علمای معروف این علم پرداخت. ابن سراج در زمینه‌ی علوم قرآنی، نویسندگی و شعر نیز مهارت بسیار داشت و در فن نویسندگی و شیوه‌ی نگارش از نثری فاخر برخوردار بود. ابن سراج در کتاب الاصول فی النحو، کوشیده است تامسایل نحوی را با نظم و ترتیبی خاص گردآوری کند، به گونه‌ای که می‌توان هر موضوع را در بخش معینی یافت.

* درگذشت «علامه سید ناصر حسین موسوی هندی» فقیه اصولی و محدث (1361 ق)

اشاره:

سیدناصر حسین هندی ملقب به «شمس العلماء» فرزند سیدحامدحسین، از بزرگان علمای هندوستان و مفتی و مرجع اهالی آن سامان، در نوزدهم جمادی الثانی سال 1284 ق به دنیا آمد. وی از محضر والد معظم و سیدمحمدعباس، تحصیل مراتب علمی نمود و در تمامی فضائل و کمالات نفسانیه یگانه بود. برادر وی «سید ذاکر حسین» نیز از علمای نامدار هند است و بر «کتاب عبقات» پدر خود شرحی نوشته است. دیوان الخطب، دیوان الشعر، المواعظ، نقحات الازهار فی فضایل الائمة الاطهار(ع) از آثار اوست. سرانجام سیدناصر حسین، این فقیه اصولی و محدث رجالی در 77 سالگی بدرود حیات گفت و به لقاء الله رسید.

* نزول سوره ی دهر در شأن امام علی(ع)، حضرت زهرا(س) و امام حسن و امام حسین(ع) و روز خانواده

اشاره:

پس از آن که امام علی(ع) و حضرت زهرا(س) برای برآوردن حاجت خویش، سه روز روزه را نذر کرده بودند و نوبت به ادای آن رسید، در سه روز متوالی مسکین و یتیم و اسیری به در خانه‌ی آن‌ها آمد و غذایی طلب کرد. آن بزرگواران نیز غذای خود را به

آن‌ها داده و خود با آب، افطار نمودند. این خانواده‌ی کریم در مقابل این عمل، هیچ جزایی را از افراد نخواستند و اجر خود را از خدا طلبیدند. در این هنگام بود که وحی بر پیامبر اکرم(ص) نازل شد و سوره‌ی دهر یا انسان در شأن امام علی(ع) و حضرت زهرا(س) نازل گردید.

* پذیرش خلافت توسط امام علی(ع) پس از قتل عثمان در مدینه(35 ق)

اشاره:

پس از شورش مردم و قتل عثمان بن عفان خلیفه‌ی سوم در 18 ذی‌حجه‌ی سال 35 ق، مردم از امام علی(ع) خواستند تا خلافت را بپذیرد. با وجود امتناع ایشان، پافشاری و اصرار مردم باعث شد تا آن حضرت، خلافت را قبول کنند. اما تلاش گسترده‌ی امام برای اجرای عدالت و حقیقت‌خواهی ایشان در دوره‌ی حکومت، باعث شد که عده‌ای از صاحبان قدرت و ثروت به مخالفت با آن حضرت بپردازند و سه جنگ جمل، صفین و نهروان را به امام، تحمیل نمایند

* درگذشت فقیه جلیل و عالم مجاهد آیت الله «محمد غروی کاشانی» (1398 ق)

اشاره:

مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد غروی کاشانی از علما و مجتهدین مجاهد عصر ما و همکار و یار نزدیک مرحوم آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی بود که در تهران سکونت داشت. او به سال 1314 هـ. ق برابر با 1275 هـ. ش در بیت علم و فقاہت دیده به جهان هستی گشود. پدرش مرحوم حاج محمد حسین نطنزی از علمای بزرگ و مراجع قرن سیزدهم هجری (حاکم شرع کاشان)، فرزند آیت الله العظمی حاج ملا احمد نطنزی (داماد فاضل نراقی) بود. وی قبل از این که به سن 9 سالگی برسد پدر خود را از دست داد و سرپرستی او را مادرش که فرزند یکی از بازرگانان سرشناس کاشان بود به عهده گرفت. آیت الله غروی تحصیلات مقدماتی و سطح را در کاشان نزد آیت الله مرحوم حاج ملا حبیب الله کاشانی و صرف و نحو را از آخوند ملا محمدحسن نحوی (متوفی 1340 هـ. ق) فرا گرفت. وی پس از چندی برای طیّ مدارج بالاتر رهسپار اصفهان شد و پای درس علمایی چون: آخوند ملا محمد کاشانی، آقا سید مهدی ذرچهای، مرحوم جهانگیر خان قشقائی و میرزا احمد نشست و با اندوخته‌ای وافر از فلسفه، حکمت، ریاضی، فقه و اصول به زادگاه خود بازگشت و برای بار دوم در جلسات درس و بحث ملا حبیب الله شریف شرکت نمود. معظم له در سال 1341 هـ. ق برابر با 1301 هـ. ش عازم نجف اشرف گردید و چهارده سال در آن دیار از محضر: میرزا محمدحسین نائینی، سید ابولحسن موسوی اصفهانی، شیخ ضیاء الدین عراقی و شیخ اسد الله زنجانی بهره‌ها برد و موفق به اخذ اجازه‌ی اجتهاد گردید و همچنین نجوم را از شمس تبریزی از علمای مقیم نجف آموخت. آیت الله غروی یکی دو سال آخر اقامت خود در نجف دچار بیماری ربوی شد و با شدت آن، توان ماندن خود را در آن دیار از دست داد، به ناچار با تجویز پزشک معالج برای تغییر آب و هوا، با وجود آن که استادنش به وی تکلیف ماندن در حوزه‌ی علمی نجف نموده بودند در خرداد 1314 این شهر را به قصد کاشان ترک کرد. مشارالیه چند سالی در کاشان بود و سپس به مشهد مقدس روی آورد و مدت دو سال آنجا بود و بعد از آن به کاشان مراجعت کرد و به ارشاد خلق و رفع مشکلات آنان و تعلیم و تدریس اشتغال می‌ورزید تا این که در سال 1329 هـ. ش به تهران رفت و در آنجا سکونت اختیار کرد. آیت الله غروی خانه‌ای محقر در جنوب تهران داشت که این منزل پایگاهی سیاسی، دینی، علمی و ادبی برای روحانیان، استادان، دانشجویان، شاعران و بازاریان و دیگر طبقات جامعه محسوب می‌شد. معظم له گذشته از آن که در فقه و اصول و کلام و دیگر علوم شرعی کم نظیر بود، حکمت و ریاضی و ادبیات تازی و فارسی را نیکو می‌دانست و به راز و رمز آن وقوفی کامل داشت. خطش زیبا و در نگارش قلمش شیوا بود و در ترسل به شیوة قائم مقام می‌نوشت. محفوظاتش بسیار بود به گونه‌ای که سوره‌ها و آیات بسیاری از قرآن مجید و خطبه‌های نهج البلاغه را در لوح خاطر داشت و اشعار فراوانی از شعرای عرب و عجم از متقدم تا متأخر می‌دانست و به تناسب در سخنرانی و کلام از آنها بهره می‌جست، سخنش شیرین و محفلش گرم بود. در عین فقاہت ذوقی عارفانه و طبعی شاعرانه داشت و در خور مقال گاهی بیتی می‌سرود و مثنوی مولانا را حفظ و به دقایق عرفانی آن آگاه بود و با شعر سعدی و حافظ انسی تمام داشت. آیت الله غروی مردی وارسته و عالمی پرهیزگار و روشنفکر و بسیار فروتن بود زندگی ساده‌ای داشت و امرار معاشش از راه اندک اجاره‌ای بود که از بازمانده اموال پدریش در کاشان حاصل می‌شد. وی با وجودی که وجوه شرعی بسیاری در اختیار داشت، دیناری از آن به مصرف شخصی خود نمی‌رسانید و در پرداخت این وجوه شرعی هم دقت بسیاری داشت که گیرنده در خور استحقاق باشد چنانچه تشخیص می‌داد که گیرنده استحقاقی ندارد، در حد امکان از وجهی که از آن خود بود به وی می‌داد و یا از دیگران برای او یاری می‌خواست. او به قلم و درم مشکل‌گشای خلق بود و در این راه تا توان داشت از پای نمی‌نشست. وی فقیهی شجاع و عالمی پارسا و پیشوائی زنده دل بود که دین را از سیاست جدا نمی‌دانست. آیت الله غروی در نبرد بی‌امان با طاغوت شبانه روز تلاش کرد و جوانان پرشور را در جریان انقلاب اسلامی هدایت نمود. وی در دوران اختناق به طور علنی به تجلیل از مقام شهدای انقلاب اسلامی پرداخته و هنگام جنگ شش روزه نیز اجتماع و تظاهرات عظیمی بر ضد قوای اشغالگر صهیونیستی برپا کرده بود. آیت الله غروی در پنجم آذر 1357 برابر با 25 ذیحجه الحرام 1398 در سن 82 سالگی در بیمارستان جم تهران درگذشت، جامعه روحانیت تهران با وجود حکومت نظامی مراسم تشییع جنازه ایشان را صبح روز سه شنبه 7 آذر ماه اعلام کرد. در این مراسم مأموران برای متفرق کردن جمعیت تیراندازی نمودند و در نتیجه سه نفر شهید و چند تن مجروح شدند؛ در عصر همان روز پیکر آن عالم مبارز به کاشان انتقال یافت و پس از تشییع بی‌سابقه‌ای در این شهر - با وجود مخالفت و عدم رضایت مأموران حکومتی - در مقبره خانوادگی پدرش مقابل بقعه ملا محسن فیض به خاک سپرده شد.

* 31 اکتبر در گذر تاریخ

* تولد «چیان کای چک» رئیس‌جمهور پیشین چین ملی (1886م) (ر.ک: 6 آوریل)

* برگزاری اولین مسابقه فوتبال در جهان (1901م)

* آزمایش اولین بمب هیدروژنی امریکا (1952م)

* حمله انگلستان و فرانسه به مصر پس از اعلام ملی شدن کانال سوئز (1956م)

* درگذشت «لویی ماسینیون» خاورشناس معروف فرانسوی (1962م)

* ترور خانم «اینديرا گاندي» سياست‌مدار و نخست وزير پيشين هند (1984م)

* کناره‌گیری داوطلبانه «ماهاتیر محمد» از نخست وزیری مالزی (2003م)